

مصاحبه با:

فیدل کاسترو

مصاحبه با باربارا والترز Barbara Walters

خبرنگار ABC شبکه رادیو تلویزیونی ایالات متحد آمریکا

(قسمت اول این مصاحبه در شماره قبل آرمان به چاپ رسید)



پورتوریکو

والترز: اگر شروهائی در پورتوریکو وجود داشتند که برای تغییر اوضاع سیاسی مبارزه کرده و خواهان سوویا-لیسم بودند، آیا شما دیپلمات یا مشورین دیگری به آنجا میفرستادید؟

کاسترو: اگر پورتوریکو یک کشور مستقل میبود و از ما نقاضای کارشناس میگرد، ما کاملاً محق بودیم افرادی را به آنجا بفرستیم. ما به کشورهای کارشناس اعزام داشتیم که یک دولت قانونی داشته اند. این مسأله با شرایط پورتوریکو مطابقت ندارد. چون این کشور کشوری است وابسته و فاقد استقلال است. والترز: آیا حاضرید به آنها برای کسب استقلال کمک کنید؟

کاسترو: ببینید، مسأله پورتوریکو و سایر کشورها، نایل شدن به استقلال در درجه اول مربوط به خود خلقهاست. حال که شما مسأله پورتوریکو را مطرح کردید منمب مايلم به نکتتهای اشاره کنم. اصولاً مدعی میشود که زمینهای برای دامن زدن به دشمنی با کوبا فراهم گردد. میان پورتوریکو و کوبا از دیرزمان مناسبی برقرار بوده است. حتی قبل از استقلال کوبا، حزب انقلابی کوبا، حزب استقلال که توسط مارتی پایهگذاری شد، برای کوبا و پورتوریکو مبارزه میکرد. در اواخر قرن گذشته، پورتوریکو توسط تعرض آمریکا و جنگ آمریکا و اسپانیا، اشغال شده بصورت مستعمره آمریکا درآمد. باید اضافه کنم که من بکروز در ناحیه قدیمی هاوانسا جلوی کنسولگری آمریکا مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفتم.

زیرا در تظاهراتی که بخاطر استقلال پورتوریکو تشکیل یافته بود، شرکت داشتم. در آن زمان

قبلی به رهبری HUBURO GALLOS رهبر میهن پرستان پورتوریکو برپا شد. مايلم به این نکته اشاره کنم که دانشجویان کوبایی همیشه از پورتوریکوئیها در مبارزه بخاطر استقلال کشورشان حمایت معنوی و سیاسی نمودند. هیچکس نمیتواند کوبارامتهم کند که در معاهداتهای خشونت آمیز در پورتوریکو شرکت داشته و یا برای آن تبلیغ کرده است. ما از پورتوریکوئیها همواره

حمایت معنوی و سیاسی کردیم. اگر اینکار را نمیکردیم، حقه بازاری بیش نبودیم. البته آمریکائیها هم هستند که نمیگویند اکثریت پورتوریکوئیها طالب استقلال نیستند. بسیاری از مردم ایالات متحده در ۲۰ تا ۳۰ سال قبل از استقلال، مايلم به استقلال ایالات متحده نبودند.

مناسبات آمریکا و چین

والترز: من تصور میکنم که شما رابطه ما با چین را غیر مترقبه و کودکانه ارزیابی میکنید. چین خود را به عنوان متحد ما به حساب نمیآورد. ما تازه شروع کردیم که مناسباتمان را عادی سازیم. ما برای مناسبیت دیپلماتیک مذاکره نمیکشیم. ما در مورد تایوان اختلاف نظر داریم. ما کاملاً سیستم های حکومتی متفاوت داریم. مناسبات ما با چین در هیچ مورد تشابهی با مناسبات شما با شوروی ندارد.

کاسترو: نه، نه، طبیعتاً نه. ما به هیچوجه مناسباتی شبیه مناسبات شما با چین نداریم. ولی واقعیت اینست که چین مناسبات ارتجاعی با آمریکا برقرار ساخته

است. مسئله از این قرار است: شما خالق بینوشه هستید و چین از بینوشه پشتیبانی میکند. شما P.T.A. و هلدن روبرتو را خلق کردید و چین از P.T.A. و هلدن روبرتو پشتیبانی میکند. شما موبوتو را خلق کردید و چین از موبوتو حمایت میکند. شما به I.A.T.O. نیرو و تسوان بخشیدید. آیا اینطور نیست؟

والترز: چین از ناتو پشتیبانی نمیکند.

کاسترو: چین مدافع ناتوست، چین مدافع حزب محافظه کار انگلستان است و مقدم اعضای آنرا به چین گرامی میدارد. چین مدافع نیروهای ارتجاعی در جمهوری فدرال آلمان است. من چند نکته را روشن میکنم. سازمان جاسوسی چین در پاریس با اداره جاسوسی فرانسه، آلمان فدرال، انگلستان و ایالات متحده در ارتباط است. چین مخالف تخلیه پایگاه دریایی کوآن تانامو میباشد. چین در حملات خود علیه کوبا، همان استدلال ایالات متحده را بکار میبرد. من نمیدانم چطور برخی از این رهبران چین، تمام تقصیرها را به گردن باند چهار نفری انداخته و خود را از همه اتهامات هیری میسازند. چیزهایی در مورد چین موجود است که من سردرغبارم. بیوه ماوتسهدون و سه رهبر دیگر برای تمام ناکامیها مقصر اعلام میشوند. در صورتیکه این جریانها در طی بیش از ۱۰ سال رشد نمودند. من نمیدانم این ماوتسهدون چه نابغای، چه خدائی و چه نقلابی ای بود که برای همسر و چند همکارش این امکان وجود داشت که کارهایی به مرحله اجرا در آورند که رهبری فعلی علیه تمام آن اقدامات مبارزه میکنند؟ به عقیده من چین یکی از بهترین متحدین شماست.

والترز: به این ترتیب میخواهید بگوئید که ایالات متحده، چین را در جیب خود دارد؟
کاسترو: من نمیتوانم بگویم که چین خود را در جیب ایالات متحده میبیند، زیرا چین بزرگتر از آنست که در جیب جا بگیرد. امکان دارد که بینوشه، Somoza و وارث جیانگکایشک در جیب ایالات متحده جا بگیرند، ولی چین خیلی بزرگ است و در آن جا نمیگردد. من این را نفی میکنم. من نفی میکنم که چین اکنون یکی از بهترین متحدین ایالات متحده است.

والترز: ایالات متحده از تایوان پشتیبانی میکند، چین نمیکند. ایالات متحده از اسرائیل پشتیبانی میکند، چین اینکار را نمیکند. ایالات متحده در سازمان ملل به این مسئله که سهپونیم بخشی از رایسم به حساب میآید، رأی مخالف داد، در صورتیکه چین موافق بود. ما در تمام مسائل هدفهای یکسانی نداریم و هم رأی نیستیم.

کاسترو: درست، برخی اختلاف نظرهای تاکتیکی بین ایالات متحده و چین موجود است. فقط تاکتیکی.

از لحاظ استراتژیک با هم توافق دارند. یک رأی موافق یا مخالف، چیزی که ایالات متحده همواره آرزو میکند، رضایت توأم با سکوت چین است. چین همواره میکوشد که روی برخی مسائل تأثیر بگذارد. البته در مورد مسائل اساسی، مبارزه علیه شوروی، چین و آمریکا متحدین واقعی هستند. اکنون مشکل است مشخص نمود که کدام یک فاعلانتر علیه شوروی مبارزه میکنند. چین یا ایالات متحده؟

برای ما انقلابیون، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مهمترین نیروی محرکه جنبش انقلابی و مترقی در جهان است. شوروی این رتبه والا را از این جهت کسب نموده که: اولین دولت سوسیالیستی بوده، بواسطه نقیضی که در جنگ علیه فاشیسم داشته، بواسطه ۲۰ میلیون قربانی که در جنگ دوم جهانی داده، بواسطه حمایتی که به جنبش انقلابی جهانی و همچنین کوبا نمود. ماست آنچه در شرایط بسیار دشوار محاصره کوبا و تهدید به تجاوز، به واسطه کمک به جنبش انقلابی در آفریقا و آسیا. بدون انقلاب در شوروی انقلاب در چین غیر ممکن بود. اکنون مسئله اساسی و استراتژیک عبارت از اینست که ایالات متحده و چین در مبارزه علیه شوروی متحدند. بعنوان مثال من معتقدم که نارتس برطور خطرناکی خود را به جنگ سرد نزدیک میکند، باین ترتیب که بوجه نظامی را با لاسیرد و ناتو را تقویت میکند و برایش یک برنامه تسلیحاتی پیش میکشد. من فکر میکنم این یکی از مسائل اساسی دنیای امروز است. ریسکی که این سیاست بدنبال دارد، خیلی جدیست و چین با چنین سیاست موافق است. احتمالاً تضادهای تاکتیکی مابین چین و ایالات متحده موجود است، ولی در مسائل اساسی توافق دارند.

دگراندیشان

والترز: آیا شما معتقدید که روسیه یک کشور آزاد است؟

کاسترو: من معتقدم که آزادترین کشور دنیاست. با وجود اینکه مردم در ایالات متحده آنرا درک نخواهند کرد، زیرا شما تماماً برداشت دیگری دارید، ما هرگز در این مورد به توافق نخواهیم رسید. بدینجهت برداشتن به مسائل تئوریک و سخنوری در این مورد بی نتیجه است. والترز: ولی در مورد روشنفکران چه میگوئید؟ روشن فکران در شوروی، نویسندگان و بسیاری هنرمندان به علت جلوگیری از آزادی فعلیستان، در سطح جهانی به شکایت برخاستهاند، کتابهای زیادی در این مورد نوشتهاند اینها از طرف CIA یا ایالات متحده نبوده است. در تمام کشورهای دنیا بخاطر آزادیشان اعتراض کردهاند. جلو

آزادی فعالیت آنها گفته شده است. این را چگونه توضیح می‌دهید؟

کاسترو: نخست اینکه با شما موافق نیستم، وقتی شما از روشنفکران در شوروی صحبت می‌کنید، من بسیاری از روشنفکران شوروی را می‌شناسم هم از نویسندگان و هم از هنرمندان و اکثریت بیشماری از آنان از حکومت‌سوراها و حزب کمونیست اتحاد شوروی پشتیبانی می‌کنند. در این میان اقلیت کوچکی موجود است که از طرف غرب بسیار حمایت می‌شود. بارها شده که غرب یک روشنفکر درجه دو را به یک قهرمان بین‌المللی مبدل کرده است. شاید شما این موضوع را ندانید، ولی همینطور است. والترز: شما زلف‌نشین را یک روشنفکر درجه دو به حساب می‌آورید؟

کاسترو: شاید خیلی ذهنی‌گر هستم، ولی از شیوه نوشتن وی حوسم نمی‌آید، شاید از نقطه نظر تاکتیک درجه دوم نباشد، ولی از نظر سیاسی حتماً هست. فراموش نکنید که بعضی از کسانی که شوروی را ترک می‌کنند حتی به دفاع از فاشیسم می‌پردازند. وقتی بعضی از این پسر اصطلاح "دگراندیشان" به غرب می‌آیند، حتی پسر هیتلر هم حق می‌دهند. این مسائل نباید فراموش شوند. برای اینکه حقیقت را بدانیم، ناگهانی اوقات شما هم حتی از یک جنایتکار یک قهرمان جهانی می‌سازید. منظور اینست که جرایم غریب چنین می‌کنند. به احتمال تعدادی از این افراد وجود دارند یک اقلیت ناچیز که موافق نیستند، ولی به نقشی این افراد می‌توانند در قیاس با میلیونها کاکس و دهقان یعنی مهمترین نیرو در شوروی داشته باشند؟ اشتباه شما در اینست که جای دو چیز را بهم عوض می‌کنید یعنی فعالیت ۴ جوان منفرد را با واقعیت موجود در شوروی. شما هیچوقت درباره یک کارگر شوروی یا یک قهرمان کار یک دهقان شوروی یاد نمی‌کنید صحبت نمی‌کنید. شما فقط در مورد شما چهار "دگراندیشان" در شوروی صحبت می‌کنید.

والترز: بیش از سه یا چهار دگراندیش یا جوان موجود است.

کاسترو: شما از آنها قهرمان می‌سازید و تارتر به آنها خوش‌آمد می‌گوید.

والترز: غرور چنین نکرد و بدین مناسبت...

اختلافات حل شده

کاسترو: می‌خواهم از شما چیزی بیروم. چرا کارتر قهرمان کار شوروی را بحضور نمی‌برد؟
والترز: من مطمئن هستم که اگر...
کاسترو: یا اینکه یک دهقان درجه اول یادانشند شوروی؟ چرا همیشه با "دگراندیشان" دیسار

می‌کند؟

والترز: حقیقت ندارد. ما همواره کارگران و مهربانان دیگری از شوروی داریم.

کاسترو: ولی کارتر با آنها ملاقات نمی‌کند.

والترز: کارتر هرکس را بحضور نمی‌برد. شما هم

هرکس را به حضور نمی‌برید. برزف هم هرکس را به

حضور نمی‌برد.

کاسترو: نه، من مترجمین را ملاقات نمی‌کنم. من به

مترجمین خوش‌آمد نمی‌گویم. کارتر هم هیچ کرده‌ام

با انقلابیون ندارد. او فقط مترجمین را ملاقات می‌کند.

والترز: آیا شما تاکنون در زمینه سیاست خارجی

آشکار یا خصوصی با شوروی مخالفت کرده‌اید؟

کاسترو: موقعیتهایی وجود داشت که من بطور

علنی و خصوصی نثار دیگری دادم. مسأله برسر

اختلافات شخصی نبود. بخاطر دارم که زمان بحران

اکتبر استلاف نظرهای موجود بود. اختلاف نظر

موجود بود، ولی من معتقدم وقتی میان دول سوسیال-

لیستی اختلاف پیش می‌آید، باید بحث شود و از طریق

خود این کشورها حل گردد. زمانی بود که ما علناً

اعلام نمودیم که اختلاف نظرهای با شوروی داریم، ولی

می‌خواهید که حقیقت را به شما بگویم؟ من معتقدم که آن

در نتیجه خامی سیاست ما بوجود آمد. حال ما خودمان

را بهتر می‌شناسیم و رفقای شوروی را بهتر درک می‌کنیم.

آنها در دورانی که اختلاف نظر وجود داشت، بیشه‌ای

صبر بودند. آنها هرگز حتی کوچکترین عملی در جهت

تلافی انجام نداده و به حمایت خود از ما ادامه دادند.

اکنون درجه مناسبات ما خیلی بالاست. اگر روزی اختلاف

نظرهای بوجود آید - که طبیعتاً ممکن است - آنوقت

کنار هم خواهیم نشست و در مورد آن بحث خواهیم

کرد. ما آنرا آشکار نخواهیم ساخت، زیرا منافع سوسیال-

لیسم ایجاب نمی‌کند.

والترز: نظر شما در مورد برزف چیست؟

کاسترو: نظر من در مورد برزف بسیار عالی

است. من در مورد وی از نقطه نظر شخصی خودم

صحبت نمی‌کنم. وی فرد بسیار باهوش و باسواد است.

مردیست با کیفیت ممتاز. در مورد برزف آنچه که برای

من مهم است، نقشی است که وی در مبارزه جهت تسخیر

زدائی و صلح دارد. این بدان معناست که وی زندگی

سیاسی خود را بعنوان رهبر اتحاد شوروی وقف کوشش

در جهت بهتر نمودن مناسبات ایالات متحده و شوروی،

جلوگیری از وقوع یک جنگ و ایجاد تعام شرایط لازم

جهت نیل به صلح نموده است. من معتقدم روزی بشریت

خدمات وی را ارج می‌نهد. آخر، دوران سختی وجود

داشت. جنگ در ویتنام، تسنجات و مسائل دیگر،

زمان بسیار سختی بود. من بشما اطمینان میدهم که برزیف مردیست که تمام هم خود را صرف برقراری صلح نمود است. اینست نظر من در مورد خدمات بسزرگ و تاریخی وی.

کمکهای شوروی به کوبا

والترز: کوبا از شوروی در روز يك ميليون دلار نقد و تقریباً سه میلیون دلار چیزهای دیگر میگیرد. کاسترو: چه گفتید؟ چند میلیون؟ این چند میلیون کجاست؟

والترز: یا، میلیون دلار در روز و تقریباً سه میلیون دلار کمکهای جنسی.

کاسترو: در ابتدای این صاحبیه به من یادآوری کردید که چه اتفاقی در شهر Triunvirato افتاد. بجهائی که نمیدانستند شما به يك هیأت نمایندگی از ایالات متحده تعلق دارید شروع کردند به فریاد کردن "فیدل بزن یا نکی ها را داغان کن" من بشما توضیح دادم که این جعلات تبلیغاتی متعلق به دوران گذشته بود است. اکنون برای من غیر مترقیه است که شما هم جعلات تبلیغاتی قدیمی را تکرار میکنید. جمله معروف در مورد چهار...

والترز: بسیار خوب، اشتباه مرا تصحیح کنید.

درستش را بنویسید. چقدر بشما کمک میکنند؟

کاسترو: من بشما جواب خواهم داد. اگر اجازه بدهید. جعلات تبلیغاتی قدیم تحت این عنوان که شوروی بما هر روز چهار میلیون دلار کمک میکند، هنوز هم ادامه دارد و با احتمال قوی تا زمان طولانی ادامه خواهد داشت. شوروی قطعاً به ما به مقدار بسیار وسیعی کمک مینموده. زمانیکه کنسرتهای نفتی، نفت در اختیار ما نمیکد اشتمد، برای مانفت میفرستاد. زمانیکه ایالات متحده جلوی صدور شکر ما را گرفت، او ما شکر خرید. زمانیکه ایالات متحده به ما دیگر مواد غذایی نفروخت و نفوذ خود را در تمام جهان بکار برد تا يك محاسبه کامل ایجاد نماید، بما مواد خام، ماشین آلات، مواد غذایی و بیش از همه مواد سوخت نفروخت.

زمانیکه ایالات متحده در Giron تهاجم مزدوران را تدارک دید، شوروی برای ما اسلحه فرستاد که در این دوره تعیین کننده و بسیار مهم بود. در مدت تمام این سالها که در آن امنیت کشور ما توسط ایالات متحده مورد تهدید قرار داشت، اسلحه‌ای که ما احتیاج داشتیم، مجاناً در اختیارمان میگذاشت. اگر مشکلاتی بمناسبت خشکسالی و یا سادات بوجود میآمد و ما قادر به انجام قرارداد نبودیم، شوروی طبق قرارداد صادراتی خود عمل میکرد. این زمان گذشته و امروز ما قادر به

اجرا قرار داد صادراتی خود با شوروی هستیم. شوروی و کوبا به چه چیز نائل شده‌اند؟ اکنون يك مبادله رضایتبخش برای کشورمان داریم. شوروی مبالغ مناسبی برای مواد معدنی و شکر ما میپردازد و کالاها صادراتی به کوبا را به قیمت مناسب با ما حساب میکند و بدین ترتیب يك مبادله کالائی عملاً رضایتبخش برقرار ساخته‌ام به ترتیبی که میان يك کشور پیشرفته و يك کشور در حال رشد میتواند برقرار باشد. نوع مبادله‌ای که میتواند وجود داشته باشد. اگر ایالات متحده با کشورهای در حال رشد به شیوه شوروی با کوبا روابط تجاری برقرار میساخت یا اگر اروپا چنین مناسبات تجاری با کشورهای در حال رشد برقرار میساخت، در اینصورت مشکلات کشورهای در حال رشد حل میشد. همین برقراری این اصل، مبادله کالائی عادلانه مابین يك کشور پیشرفته و يك کشور در حال رشد است که شما آنرا ۲، ۱۰، ۴ یا چه میدانید چند میلیون کمک مینامد.

والترز: خوب، اما میتوانی در قعی سخن بگوئید. شما که می‌نوید ارقام ما غلط است.

کاسترو: میخواهید رقمی بنویسم؟

والترز: بله.

کاسترو: شوروی شکر ما را به ۳۰ سنت هر پوند میخرد و بجا نفت میفروشد. بعنوان مثال سال گذشته برای تقریباً هرتن ۴۵ دلار یا در حدود ۵۰ ریعی تقریباً نصف نرخ بازار جهانی. حال ما با هم قرار گذاشته‌ایم که اگر تالاهائی که شوروی به ما میفرستد، تان شوند بهمان نسبت نیز قیمت نشری که ما به شوروی میفروشیم بالا خواهد رفت.

والترز: بگفته میدانم که آنها نفت را نصف قیمت بشما میفروشند، چه مبلغ شکر شما را میخرند؟ دو یا سه برابر قیمت بازار جهانی؟

کاسترو: بستنی به شرایط دارد. وقتیکه قیمت شکر هر پوند به ۱۰ سنت رسید آنها خیلی شکر از قیمت بازار جهانی برداشتند. صحبت بر سر يك قیمت ثابت است و این همان چیز است که کشورهای در حال رشد بدان نیاز دارند.

والترز: ولی شما میدانید که حثوال من در مورد قیمت من یک میلیون دلار در روز و سه میلیون دلار لغتهای جنسی را مطرح کردم. این ارقامی که کشور ما تخمین میزند، صحیح نیست؟

کاسترو: چه ارقامی؟

والترز: ارقام مربوط به لغتهای جنسی.

کاسترو: بجز برای لغتهای تبلیغاتی ارقام دیگری وجود ندارد. ارقام موجود نیست، ولی طبیعتاً و ام موجود است.

والترز: فقط برای شکر و نفت؟

• کاسترو: مسلما وامهائی جهت سرمایه گذاری صنعتی نیز موجود است، ولی روابط تجاری ما بر پایه قیمت مناسبی قرار دارد. کم و بیش بر پایه قیمت متعادلی متعادل. مسائل این چنین اند. آنها قیمت مناسبی برای محصولات ما میبردارند. این تمام چیز است که میتوانم در این مورد بگویم. بدینجهت میتوانیم ۴،۲، ۵ یا ۷ را فراموش کنید. آنها مبلغی عادلانه برای محصولات ما میبردارند.

والترز: مبلغی عادلانه برای شرکتان میبردارند و برایتان نفت میفرستند؟

کاسترو: شکر، نیکل و بقیه اجناس که ما به آنها میفروشیم، قیمت مناسب فقط در مورد نفت نیست، در مورد نفت و تعداد بسیاری کالاهای دیگر که آنها برای ما تأمین میکنند.

والترز: و آنها به شما پول نمیدهند که با اقتصادتان کمک کنند و کمپهای بخصوص دیگر نمیکند؟

کاسترو: آنها به ما وام جهت شعر کردن میدهند آنها از لحاظ تسلیحاتی ما تأمین و با کمک میکنند. والترز: مقدار آن بقدر است؟

کاسترو: ببینید، این یث از اسرار نظامی است.

از: Information Bulletin شماره ۱۱۶۱۷، ۱۹۷۷، ترجمه داریوش



تفاوت کوچک؟

ماتویستها همواره تبلیغ میکنند که ماتوسه تونگ، نه تنها اشاعه دهنده مارکسیسم - لنینیسم بوده، بلکه آنها همه جانبه رشد داده است. در واقع هم ماتوسه، مسائل زیادی را مطرح کرده که در آثار مارکسیسم - لنینیسم وجود ندارند. یکی از "کشفیات" ماتو که لابد جزو "اندیشه‌های" اوست، مربوط به مقام لومین پرولتاریا در جنبش انقلابی است. ماتو در نوشته‌ای به نام "تحلیل طبقات در جامعه چین" (آثار منتخب بغاری جلد اول)، در باره لومین پرولتاریا چنین اظهار نظر میکند:

"اینان مستعد مبارزهای مردانعاقد، اما به علایق و برانگیزانه تمایل دارند. اگر خوب رهبری شوند میتوانند نیروی انقلابی باشند."

ماتو برای اثبات درستی این "اندیشه" خود، بنا

به اسناد تاریخی دست بکار میشود و در گزارش که بعداً به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مینویسد، اعلام میکند که:

"بخش‌هایی از ارتش زیر فرمان او را لومین‌ها تشکیل میدهند..."

ف. انگلس، یکی از پایه گذاران سوسیالیسم علمی و پیشوای داهی پرولتاریا نیز در باره لومین پرولتاریا اظهار نظر کرده است، منتهی او معتقد است که:

"هر رهبر جنبش کارگری که از این ولگسرها به مثابه گنارد خود استفاده و یابیر آنها تکیه میکند، با این عمل خود ثابت میکند که خائن به جنبش است."

(پیشگفتار انگلس به کتاب "جنگ دهقانی در آلمان") تاریخ نشان داد که حق با انگلس است.

والترز: آیا کوان تانامو نقش بسیار بزرگی جهت عادی کردن روابطتان با ما دارد؟ یا اینکه در درجه دوم اهمیت قرار دارد؟

کاسترو: کوان تانامو امروز از لحاظ نظامی برای ایالات متحده بی ارزش است. ایالات متحده بدینوسیله قصد دارد قدرت و غرور خود را برخ بکشد. شما بخشی از کشور ما را به اشغال خود در آورده‌اید که امروزه در زمان سلاحهای اتمی، بهیچوجه و عنوان ارزش استراتژیک ندارد. شما حق ندارید آنجا بمانید. این برخلاف خواست ماست. من معتقدم که هیچکس نمیتواند یک پایگاه نظامی در کشوری برخلاف خواست آن کشور برقرار سازد. ایالات متحده بزور آنجا ماند ماست. ما هرگز از کوان تانامو یک مسئله بخصوص نخواستیم و تقاضای بازگرداندن کوان تانامو را بعنوان درش خود بر نخواستیم. زیرا ما میخواهیم از احساس ناراحتیهای همیشگی میان خلقهای خودمان جلوگیری نمائیم. بدین جهت ما این مسأله را کنار گذاشتیم. ایالات متحده قصد دارد آنجا بماند؟ بسیار خوب، ولی تکرری مجبور است بیرون برود و آن روزی است که شروع میکند عادلانه واکنش نشان دهد.

از: Information Bulletin شماره ۱۱۶۱۷، ۱۹۷۷، ترجمه داریوش



تفاوت کوچک؟

ماتویستها همواره تبلیغ میکنند که ماتوسه تونگ، نه تنها اشاعه دهنده مارکسیسم - لنینیسم بوده، بلکه آنها همه جانبه رشد داده است. در واقع هم ماتوسه، مسائل زیادی را مطرح کرده که در آثار مارکسیسم - لنینیسم وجود ندارند. یکی از "کشفیات" ماتو که لابد جزو "اندیشه‌های" اوست، مربوط به مقام لومین پرولتاریا در جنبش انقلابی است. ماتو در نوشته‌ای به نام "تحلیل طبقات در جامعه چین" (آثار منتخب بغاری جلد اول)، در باره لومین پرولتاریا چنین اظهار نظر میکند:

"اینان مستعد مبارزهای مردانعاقد، اما به علایق و برانگیزانه تمایل دارند. اگر خوب رهبری شوند میتوانند نیروی انقلابی باشند."

ماتو برای اثبات درستی این "اندیشه" خود، بنا

به اسناد تاریخی دست بکار میشود و در گزارش که بعداً به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین مینویسد، اعلام میکند که:

"بخش‌هایی از ارتش زیر فرمان او را لومین‌ها تشکیل میدهند..."

ف. انگلس، یکی از پایه گذاران سوسیالیسم علمی و پیشوای داهی پرولتاریا نیز در باره لومین پرولتاریا اظهار نظر کرده است، منتهی او معتقد است که:

"هر رهبر جنبش کارگری که از این ولگسرها به مثابه گنارد خود استفاده و یابیر آنها تکیه میکند، با این عمل خود ثابت میکند که خائن به جنبش است."

(پیشگفتار انگلس به کتاب "جنگ دهقانی در آلمان") تاریخ نشان داد که حق با انگلس است.